



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۴/۲۷

انجمن فارو



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

**Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe**

شهرهاگ، ۲۷ اپریل ۲۰۱۸

## چهل سال جنگ و بحران، ارمغان کودتای هفت ثور

چهل سال قبل کودتای خونین هفت ثور فاجعه بزرگی را در افغانستان بوجود آورد. کودتاگران اعضای حزب دموکراتیک خلق (اتحاد خلق و پرچم) بودند و زمانی دست به کودتا زدند که عده از رهبران شان یک روز قبل زندانی شده بودند. گفته میشود در آن زمان تعداد جمعی اعضای این حزب ۴۰۰۰ نفر بود. بقیه نفوس کشور با عقاید این حزب یا آشنائی نداشته و یا مخالف آن بودند. کودتاچیان و رهبران حزب شان چوکی های کابینه را بین هم تقسیم نمودند و به اصطلاح (( جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان )) را اساس گذاشتند. اما حزبی ها با مردم بیگانه بودند و کوشیدند عقاید خود را با زور سرنیزه بالای ۱۵ میلیون نفوس افغانستان تحمیل کنند. اقدامات خشونتبار و اختناقی رژیم مردم را وادار به قیام مسلحانه علیه رژیم نمود. زندانی ساختن ها و اعدامهای بدون محاکمه باعث تشدید مقاومت مردم شد. یک بخش کوچک اسناد دوران ۱۸ ماهه حاکمیت حزب مذکور قبل از اشغال توسط روسها که در مجموعه ((د خلق اوپرچم د جنایاتو ژوندی اسناد)) توسط انجنیر میرویس وردک انتشار یافته، از شیوه برخورد خشونتبار حکام جبار حزب دست پرورده روسها در برابر اتباع افغانستان، بخصوص تحصیلکرده ها پرده بر میدارد.

رژیم در جریان قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات متوجه شد که قدرت مقابله با مردم را ندارد. قیام بالا حصار کابل در چهاردهم اسد ۱۳۵۸ بی پایه بودن رژیم در درون نیروهای امنیتی را هم برجسته ساخت. رهبران هر دو جناح حزب نظامیان روس را برای دفاع از رژیم به افغانستان دعوت نمودند. تجاوز نظامی روسها در ۶ جدی ۱۳۵۸ آتش جنگ در افغانستان را بیشتر شعله ور ساخت و پای غربی ها و همسایه های فرصت طلب را به جنگ ضد روسی مردم افغانستان کشاند. نخستین پاسخ روشن مردم افغانستان به اشغالگران روس، قیام سوم حوت مردم

کابل بود. رهبران پرچم که در فردای اشغال در رأس رژیم پوشالی نصب شدند، وفادارترین افراد خود را برای گرداندگی دستگاه استخبارات در دسته ئی بنام ((فعالین حزبی)) که توسط نجیب الله رهبری میشد، گرد آوردند. فعالین حزبی توسط ک.گ.ب. به شدت تحت تربیت گرفته شدند و آماده کار در دستگاه خاد که از لحاظ وسعت، تجهیزات مدرن شکنجه و شیوه های کاری محیلانه بر استخبارات خلقی ها (اگسا و کام) برتری داشت، شدند. در داخل تشکیلات خاد خرنوالی و محکمه اختصاصی انقلابی نیز ایجاد شد که در واقع ملعبه ئی بود در دست رهبری خاد و هدف از ایجاد آن خاک پاشیدن به چشم مطبوعات و مؤسسات حقوق بشر غربی بود. اماجنایاتی که توسط خاد علیه بشریت انجام یافت، روی اگسا و کام را هم سفید ساخت. داکتر آرماکورا گزارش داد که در سال ۱۳۶۴ مطابق ۱۹۸۵ میلادی خاد بیش از دو صد زندان مخفی تحقیق تنها در شهر کابل داشت. اینها بر علاوه زندان های علنی ششدرک، دارالامان، صدارت، پل چرخ و غیره بوده اند.

از جانب دیگر طیارات جنگی روسها مصروف تخریب هزاران قریه افغانستان بودند. کافی بود حلقات استخباراتی روس یا اجنهای خاد راپور موجودیت چند قیام کننده را در یک قریه بدهند تا آن قریه به خاک یکسان گردد. هفت میلیون مهاجر پاکستان و ایران محصول حملات هوایی قوای روس و طیارات جنگی رژیم مزدور بود که بخشی از آن مهاجرین هنوز هم مجبورند در همان کشور ها به زندگی پُر ار تحقیر و خشونت ادامه دهند.

جنگ افغانستان اقتصاد روسها را شدیداً ضربه زد. گورباچف بعد از احراز قدرت افغانستان را زخم خونین شوروی اعلام نموده و نیت خود برای خروج نیروهایش از افغانستان اعلام داشت. اما نخست بایست افغانستان برای مرحله بعد از خروج نیروها آماده میشد. ببرک کارمل در جلسه ئی با سران شوروی مخالفت شدید خود را با خروج نیروهای نظامی روس از افغانستان ابراز داشت. به همین جهت وی را روسها با نجیب الله که نوکر گپ شنو تر بود، تعویض نمودند. ۱۵ فبروری ۱۹۸۹ خروج عساکر جنگی روس از افغانستان تکمیل شد. اما نظر به کمبود یک رهبری ملی واحد و با مسؤلیت در کمپ مخالفین رژیم، پروسه از همپاشی رژیم دنباله اشغال، تا سه سال دیگر یعنی آغاز اپریل ۱۳۷۱ ادامه یافت.

قبل از سقوط کامل جنرالهای رژیم و رهبران حزبی پرچم وخلق که برای مردم فریبی به حزب وطن تغیر نام داده بود، با تسلیم دادن تدریجی قطعات نظامی و پولیس به قوماندانهای جمعیت و سپس حزب اسلامی به پروسه صلح ملل متحد خیانت نموده و تخم جنگ قدرت میان تنظیمهای جاه طلب را کاشتند. این جنگ قدرت که تا به قدرت رسیدن طالبان در ۱۳۷۵ ادامه داشت شهر زیبای کابل را به ویرانه تبدیل نموده جان ده ها هزار نفر را در جنگهای بی مفهوم کابل و سمت شمال سلب نمود.

پاکستان و امریکا برای تحت کنترل در آوردن جنگ تنظیمها، گروه طالبان را خلق نمودند. طالبان در ابتدا خود را فرشته های صلح و عدالت معرفی میکردند ولی بعد از کسب کنترل کابل، چهره اصلی شان بحیث سلب کنندگان همه حقوق و آزادی های بشری از اتباع افغانستان، بخصوص زنان آشکار شد. صد ها هزار انسان در این دوره تنها از شهر کابل فرار نموده و مهاجرت در دوزخ پاکستان و ایران را بر زندگی در ساحة تحت کنترل طالبان ترجیح دادند. ادامه جنگ میان طالبان و ائتلاف شمال و تشدید فقر و بحران بشری همه جانبه، کارد را به استخوان مردم افغانستان رسانیده بود. به همین جهت مردم افغانستان برای نخستین بار در تاریخ از نیروی نظامی بیگانگان بخاطر ساقط نمودن رژیم طالبان استقبال نمود. دول غربی بر رهبری ایالات متحده امریکا به مردم

افغانستان وعده آوردن صلح، ثبات و انکشاف را دادند. چیز های که خواست مردم افغانستان بود. اما با وصف گذشت ۱۷ سال از این وعده ها، مردم ما هنوز هم چشم براه آن زندگی صلح آمیز، ثبات سیاسی و رشد و لو تدریجی اقتصادی ئی هستند که کودتای بد فرجام هفت ثور و پیامد های نا میمون آن از آنها گرفت. متأسفانه وضعیت کنونی افغانستان از امکان ادامه این وضع برای سالهای دیگری هم حکایه دارد. به امید روزی که این بحران پایان یافته و دیگر از مردم ما قربانی نگیرد مسئولین جنایات انجام یافته در این چهار دهه، از فلترمحکمه عدلانه بگذرند .

هیأت اجرائیه فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا (فارو)

